



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۳۰ جون ۲۰۱۹

مصطفی عمرزی

طالبان و نیازها به روابط خارجی

امارت اسلامی طالبان، نه فقط بر اثر تحجر فرهنگی، دچار مشکل شد، بل با تحجر سیاسی که برعکس، مخالفان شان از نسخه های نو آن تاکنون استفاده می کنند، محدود به رسمیت شناخته شدن از سوی سه کشور پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی باقی ماند.

اصرار افراطی کنونی (طرد) این گروه در مقاطعه با جهان که به هر حال خود را با قوت نظامی مطرح کرده اند، به زیان آنان تمام می شود. اگر به فرض هم آنان دوباره به قدرت برسند، نیازها به سیستم اقتصادی دنیا که از غرب اداره می شود و کمبود آن، کشورهایی با سرمایه نفت، چون ایران را به گدایی می رساند، طالبان را در جغرافیایی با مردم بسیار محتاج، حتی به حد تکفیر می کشاند؛ زیرا مردم شکم گرسنه، به راحتی می توانند از باورهایی عدول کنند که برآمد اسلام سیاسی در چهل سال اخیر نیز به مصیبت های آنان افزوده است.

دولت های آینده افغانستان پس از خروج قوای خارجی نیز به خاطر نیاز به وجاهت جهانی، طرح های اساسی در مجامع خارجی و استفاده از سیستم های اقتصادی و سیاسی بین المللی که نباید منزوی شوند، در برابر گروه هایی قرار خواهند گرفت که مثلاً امروزه برای اقتدار سیاسی انحصاری، حرص یافته اند.

ما تا سال هایی که می پندارم خیلی دور اند، به مزایای ارتباطات با جهان آزاد، به ویژه کشورهایی که از رهگذر اشتراکات فرهنگی منطقه، خوشبختانه نمی توانند سیاست های مغرضانه قومی را اعمال کنند، ضرورت داریم.

طالبان یا هر گروه دیگر در عدم پذیرش جهانی، هرگز نمی توانند در کشوری راحت بمانند که عدم تامین ضرورت های اولیه مردم، حتی به مقاطعه به باورهای دینی می انجامند.

بر کسی پوشیده نیست که پس از حاکمیت های به اصطلاح اسلامی در افغانستان، بر اثر عدم تامین معیشت و رفاه، هزاران افغانی که گفته می شود اکنون به حد یک میلیون برآورد می شوند، با ترک دین، از رفاه کشورهای غیر اسلامی، به ویژه مسیحی در غرب، استفاده می کنند.

ادبیات سیاسی اصرار مدام طالبان برای خروج نیروهای خارجی یا مقاطعه با غرب، به ویژه با امریکا، اگر بر اثر نیازهای میدین جنگ نیز باشد، بایسته است جهان و مردم ما را مجاب کند که در صورت مشارکت، نه انحصار که معقول به نظر نمی رسد، توجه خواهند کرد وارد جامعه ای می شوند که تامین اولویت های بشری آن، ارجحیت دارد.

در چنین اوضاعی، اصرار مدام جهت مقاطعه کامل با جامعه جهانی یا غرب، بار مشکلات را سنگین تر می سازد.

یاد ما نرود که با هیچ وردی نمی توان شکم گرسنه مردم را سیر کرد. اگر خبط سیاسی، شریعتمداران را در آزمون مردم سقوط دهد و آنان در تامین رفاه مردم ناکام شوند، چنانی که شدند (سقوط امارت اسلامی)، ذهنیت های ضد اسلامی که پس از توحش داعش، عملاً با انسداد شریان های اسلام در غرب و جهان غیرمسلمان، به وجود آمده اند، در خود کشورهای اسلامی نیز گسترش می یابند.

در روزگار ما، تعادل مادیات و معنویات، یک اصل عقلانی شمرده می شود. بنابر این، هیچ مکتب و باوری قادر نخواهند بود بدون تامین مساوی نیازهای مادی و معنوی، ماندگار بمانند. ارتباطات به منظور رفع نیازها، از موانع عقیده می گذرند.

نظام کنونی افغانستان در پیوند های تنگاتنگ با جامعه جهانی، شکل گرفته است؛ هرچند نحوه پرداخت به مردم ما که می بایست پس از صرف میلیارد ها دالر، روی پای بایستادند، نکوهش و نقد می شود، اما به این معنی نیست که بتوان مزایای مثبت حضور جامعه بین المللی در خروج افغانستان از انزوای تحمیلی منطقه و جهانی را نادیده گرفت.

طالبان باید حد تکفیرات خویش را تصحیح کنند، زیرا بعداً ناگزیر خواهند شد، چنانی که در امر فرهنگ رسانه ها از شدت برداشت هایی کاستند که روزی با ایجاد محدودیت ها بر رسانه هایی تصویری، استفاده از تلویزیون را جرم و

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

حرام می شمردند. عدول از آن جرم و حرام که امروزه با استفاده گسترده اعضای تحریک طالبان از فلم و تصویر، توأم شده است، چیزی نیست که هنگام نقد، حتی سرسخت ترین حامیان آنان را به خموشی وادارد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ